

ملاحظات در باب تروریسم

دکتر حسین میرمحمد صادقی*

۱- مقدمه

تروریسم مسلماً باعث نقض حقوق بشر برای «حیات، آزادی و امنیت شخصی» است، که ماده ۳ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» به آن اشاره دارد. مقدمه اعلامیه بی‌توجهی و توهین به حقوق بشر را، که منجر به ارتکاب اعمال وحشیانه و جریحه دار کردن وجدان بشریت شده است، محکوم می‌کند.^۱ یکی از اهداف روشن اعلامیه ایجاد جهانی است که در آن تمامی افراد بشر از ترس و واهمه آزاد باشند. حق آزاد بودن از ترس و واهمه در مقدمه «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»^۲ و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»^۳ مورد تأکید قرار گرفته است. با توجه به این که مبنای تروریسم ایجاد ترس است، این عمل ناساقت میثاقهای مذکور می‌باشد. وجود همین ترس و واهمه باعث شده است که هرچند در اثنای دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی کمتر از پانصد امریکایی

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

1. UN General Assembly Resolution 217 A (III) of 10 December 1984.
2. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights.
3. International Covenant on Civil and Political Rights.

در عملیات تروریستی بین‌المللی به قتل رسیده‌اند،^۴ و به قول گری سیک، مسؤول اسبق بخش ایران در شورای امنیت ملی آمریکا در دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر، در سال ۱۹۵۸ مجموعاً ۲۳ تبعه آمریکا در عملیات تروریستی کشته شده‌اند، که این میزان یک چهارم تعداد کشته شدگان ناشی از رعد و برق بوده است،^۵ مردم آمریکا و کانادا تروریسم را بزرگترین خطر برای خود، حتی بزرگتر از خطر رانندگی در بزرگراهها و جنگ هسته‌ای، محسوب کنند.^۶ این تهدید و خطر نمادین نشانگر همان ترسی است که تروریستها در پی ایجاد آنند، و شاید به همین دلیل باشد که طی دهه‌های اخیر دهها کتاب راجع به این موضوع از دیدگاههای مختلف توسط حقوقدانان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، سیاستمداران، مورخین، جرم‌شناسان و دیگران نگاشته شده است. همین ترس و وحشت باعث می‌شود که در نظامهای حکومتی قربانی تروریسم موازنه قوا به نفع نیروهای سرکوب‌گر و علیه نیروهای دموکرات بر هم بخورد. گاهی حتی سازمانهای تروریستی، برخلاف ادعاهای اولیه خود، علیه نیروهای اخیرالذکر با شدت بیشتری مبارزه کرده و دست به اقدامات تروریستی می‌زنند. برای مثال جدایی طلبان باسک، که علیه رژیم فرانکو مبارزه می‌کردند، در سال ۱۹۷۵ یعنی پس از روی کار آمدن یک رژیم سوسیالیستی منتخب مردم و امتیازات قابل توجهی که رژیم جدید نسبت به خودمختاری باسک قائل شد، بر خشونت خود افزودند. برخی دلیل ادامه عملیات تروریستی را پس از

4. See L. Howard (ed) *Terrorism: Roots, Impact, Responses* (New York Praeger, 1992), p.1.

5. Gary Sick, "Further into Trap" *The New York Times*, 27 April 1986.

6. L. Howard, *op. cit.*, p.1.

رسیدن گروه به اهداف اولیه خود تلاش جهت حفظ گروه و هویت جمعی حاکم بر آن دانسته‌اند.^۷

آنچه که ترس و وحشت موجود در تروریسم را از وحشت و ترسی که در سایر جرایم برای قربانی به وجود می‌آید تفکیک می‌کند آن است که در جرایم دیگر ایجاد ترس و وحشت هدف اصلی مجرم نیست بلکه به‌طور فرعی و ثانوی از اعمال او ناشی می‌شود، برای مثال سارقی که به طرف قربانی حمله کرده و جیب او را خالی می‌کند یا به زور اسلحه کیف او را می‌گیرد نیز ایجاد ترس می‌کند، ولی او تروریست نیست. هدف او نه ایجاد ترس، بلکه ربودن مال قربانی است؛ لیکن برای تروریست، مخصوصاً تروریست سیاسی، ایجاد ترس و وحشت در قربانیان مستقیم این جرم، یا به‌طور غیرمستقیم در افراد دیگر، هدف اصلی می‌باشد.

تفاوت دیگری که بین تروریسم و جرایم عادی وجود دارد این است که اولی همواره به شکل یک جرم سازمان یافته و گروهی ارتکاب می‌یابد. ما معمولاً اعمال جنون آمیزی را که ممکن است یک فرد به تنهایی و به اصطلاح خودسرانه مرتکب شده برای مثال به مدرسه یا فروشگاه حمل می‌کند و تعداد زیادی را به رگبار ببندد (که در جوامعی مثل آمریکا نمونه‌های آن کم نیست) تروریست نمی‌نامیم، بلکه منظور از تروریسم، مخصوصاً تروریسم سیاسی، اعمال خشونت باری است که در عین حال خصیصه سازمان یافته دارند و معمولاً با انگیزه‌ها و اهداف سیاسی ارتکاب می‌یابند.

7. See for example, M. Crenshaw, "How Terrorists Think ..." in L. Howard, *Terrorism*, op. cit., pp. 71-80 at p. 75.

۲- تاریخچه واژه «تروریسم» و تفکیک آن از «ترور»

در مورد تاریخچه واژه تروریسم، آن گونه که فرهنگ انگلیسی آکسفورد بیان می کند، این واژه برای اولین بار در سال ۱۷۹۵ میلادی برای توصیف حکومت ترس و وحشت که در فرانسه در فاصله انقلاب سالهای ۱۷۸۹-۹۴ حاکم بود به کار رفت. البته واژه ترور به معنی عام آن از اواخر قرن چهاردهم به کار رفته و نمایانگر حالت ترس و وحشت شدید بوده است. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، به علاوه توضیح داده شده است که واژه تروریست در حدود سال ۱۸۶۶ توسط ویلیام فیتزپاتریک^۸ به معنی کسی که برای اشاعه نظراتش از یک نظام وحشت و ارباب استفاده می کند به کار رفته است.^۹

در سطح حقوق بین الملل اصطلاح «تروریسم» برای اولین بار در سومین کنفرانس بین المللی کردن حقوق جزا در بروکسل در سال ۱۹۳۰ به کار رفت.

برخی از نویسندگان تلاش کرده اند که دو واژه ترور و تروریسم را از یکدیگر تفکیک نمایند. برای مثال فردریک هاگر^{۱۰} در این زمینه اظهار می دارد:

«ترور، که از بالا تحمیل می شود، ایجاد و اشاعه ترس از سوی دیکتاتورها، حکومتها و رؤسا و در واقع قدرتمندان برای کنترل از طریق ارباب است. تروریسم، که از پایین اعمال می گردد، ایجاد و اشاعه ترس از

8. William Fitzpatrick.

9. See R. M. Pearlstein, *The Mind of the Political Terrorist* (Wilmington: SR Book, 1991), pp. 1-2.

10. Frederick Hacker.

سوی شورشیان، انقلابیون و معترضین و تلاشی است از سوی ضعیفان فعلی، که قدرتمندان بالقوه هستند، که از طریق ترس و ارعاب کنترل را به دست آورند.^{۱۱} ترور و تروریسم یکی نیستند ولی به یکدیگر تعلق دارند. این دو مفهوم به شکل غیرقابل انفکاک به این ایده مشترک مرتبط هستند که ترس قویترین انگیزه مؤثر بشری است، اگر تنها انگیزه نباشد، و خشونت بهترین شیوه ایجاد و حفظ ترس است، اگر تنها شیوه نباشد.^{۱۲}

از سوی دیگر، برخی از نویسندگان بین این دو واژه تفکیک واضحی قائل نمی‌شوند. از جمله توماس ثورنتون، مفهوم ترور را «یک اقدام نمادین به منظور تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی به وسایل و شیوه‌های غیرمعمول، که شامل استفاده از خشونت یا تهدید به آن است» می‌داند، بدون آن که برای تروریسم معنی متمایزی قائل باشد.^{۱۳}

۳- تقسیم‌بندی تروریسم

تروریسم گاهی سیاسی است، که با اهداف سیاسی ارتکاب می‌یابد، و گاهی غیرسیاسی، که برای اهدافی مثل اخاذی صورت می‌گیرد. همین‌طور تروریسم گاهی داخلی و گاهی بین‌المللی یا خارجی است. کشورهای مثل ایران بیشتر از تروریسم داخلی در رنج بوده‌اند. به‌عکس،

۱۱. تفکیک مشابهی از سوی پال ویلکینسون انجام گرفته است. رک.

P. Wilkinson, "Observations on the Relationship of Freedom and Terrorism", in L. Howard (ed) Terrorism..., op. cit., pp. 155-166 at p. 157.

12. F. Hacker, "Terror and Terrorism ..." in Terrorism 4 (1980) 144, cited in Pearlstein, op. cit., p.2.

13. T.P. Thornton, "Terror as a Weapon of Political Agitation" in Harry Eckstein (ed) Internal War (New York: Free Press, 1964) 73, cited in Pearlstein., op. cit., pp. 2-3.

دولت آمریکا، تا قبل از سالهای اخیر، بیشتر گرفتار تروریسم خارجی، که علیه منافع و اتباع این کشور در خسارج از مرزهای آن رخ می‌داد، بوده است. انفجار مرکز تجارت جهانی، که منجر به مرگ شش نفر و جراحات حدود هزار تن شد، اولین نمونه قابل ذکر از تروریسم داخلی در آمریکا بوده است، هرچند قبلاً نیز مواردی از تروریسم داخلی در سطح کوچکتر در خاک آمریکا رخ داده بود، که از جمله می‌توان از بمب‌گذاری در میدان هی‌مارکت شیکاگو در سال ۱۸۸۶ و اعمال خشونت‌آمیز یک گروه نژاد پرست سفید پوست علیه مقامات دولتی و نیز افراد عادی سیاه‌پوست در کارولینای شمالی در سال ۱۸۹۸ نام برد. دو سال پس از انفجار مرکز تجارت جهانی، انفجار شهر اوکلاه‌ما رخ داد، که بزرگترین عمل تروریستی داخلی در خاک آمریکا تا قبل از وقایع اخیر، یعنی حمله به دو برج مرکز تجارت جهانی در نیویورک و پنتاگون در واشنگتن، بوده است. در این عملیات تیموئی مکوی،^{۱۴} که چندی پیش به همین اتهام اعدام شد، با کرایه کردن یک کامیون آن را حاوی بیش از دو هزار کیلوگرم مواد منفجر کرده و با منفجر کردن ساختمان موجب مرگ ۱۹۱ تن شد. این عمل نوعی انتقام‌گیری از مرگ ۷۹ عضو فرقه داویدیان در تگزاس بود که بر اثر حمله مأموران کشته شدند و درست دو سال پس از آن واقعه رخ داد. بمب‌گذاری در پارکی در آتلانتا در جریان برگزاری مسابقات المپیک

14. Timothy Mcveigh.

۱۹۹۶ نیز یکی دیگر از اقدامات تروریستی گروه‌های راست افراطی در آمریکا بوده است.^{۱۵}

برخی از نویسندگان از تروریست‌های یک موضوعی^{۱۶} نام برده‌اند و منظور آنان افراد و گروه‌هایی هستند که برای حمایت از یک موضوع خاص به عملیات تروریستی دست می‌زنند.^{۱۷} از جمله می‌توان از گروه‌های مخالف سقط جنین یا گروه‌های حامی حقوق حیوانات نام برد، که گاهی به ارتکاب اعمال خشن، از جمله قتل و ضرب و جرح، علیه اشخاصی که به انجام آزمایشات بر روی حیوانات می‌پردازند یا پزشکانی که سقط جنین می‌کنند می‌پردازند.

برخی از جرایم هم، که اصطلاحاً «جرم نفرت»^{۱۸} خوانده می‌شوند و از روی نفرت نسبت به قربانی، به دلیل رنگ، نژاد، مذهب، جنسیت، معلولیت جسمانی وی و نظایر آنها ارتکاب می‌یابند، ماهیتاً با عملیات تروریستی تفاوت چندانی ندارند. سنای آمریکا در سال ۱۹۹۳ مجازات این جرایم را به طور متوسط به میزان یک سوم افزایش داد، ولی همچنان گاهی ارتکاب این گونه جرایم در این کشور مشاهده می‌شود.

علاوه بر تقسیم تروریسم به تروریسم سیاسی و غیرسیاسی، از لحاظ شیوه و انگیزه ارتکاب نیز، حتی در تروریسم سیاسی، اقسامی مشاهده

۱۵. جهت تحلیل مختصری از عملیات تروریستی گروه‌های راست افراطی در داخل خاک آمریکا، رک. مقاله «تروریسم چیست و تروریست کیست؟» در الشرق الاوسط، شماره ۶۴۵۹، مذکور در روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۶.

16. Single Issue Terrorists.

17. Schmid and de Graaf (1982), cited in Hagan, op.cit., p. 166.

18. Hate Crime.

می‌شود. نیهلیستهای روسیه، که در اواخر قرن نوزدهم به اعمالی چون پرتاب بمب می‌پرداختند، نمونه‌ای نسبتاً قدیمی از عملیات تروریستی را ارائه می‌دهند. قبل از جنگ جهانی دوم اکثر موارد تروریسم مشتمل بر کشتن سران حکومتها بود. نوع دوم تروریسم در الجزایر در اواخر دهه پنجاه توسط جبهه ملی آزادیبخش الجزایر (FLN)^{۱۹} رخ داد که به افراد غیرنظامی دشمن به طور جسته و گریخته حمله می‌کردند.^{۲۰} نوع سوم از تروریسم از دهه شصت میلادی رخ داده است که می‌توان آن را تروریسم رسانه‌ای^{۲۱} نام نهاد، یعنی حمله کردن به هر کس صرفاً به قصد کسب تبلیغات رسانه‌ای، که این امر را می‌توان، به پیروی از کمیسیون بوش^{۲۲} در امریکا نوعی «تئاتر سیاسی»^{۲۳} یا تبلیغات بالفعل دانست.^{۲۴}

بسیاری از ترورهای کور و بی‌هدف انجام شده در ایران در دوران پس از پیروزی انقلاب از این نوع بوده است که ما در ادامه به تأثیر وسایل ارتباط جمعی در افزایش عملیات تروریستی به تفصیل خواهیم پرداخت. شاید به عنوان بزرگترین واقعه‌ای که بیش از همه امکان انجام ترورهای گسترده چند دهه اخیر را فراهم آورده است بتوان از اختراع دینامیت در سال ۱۸۶۷ توسط آلفرد نوبل نام برد. عملیات تروریستی بزرگ،

19. Front de la Liberation National.

۲۰. فیلم نبرد الجزایر این امر را بخوبی نشان می‌دهد که چطور دولت اقدام به شکنجه علیه مبارزان می‌کرد و آنان، در مقابل، دست به انجام چنین حملاتی برای کسب استقلال می‌زدند. نویسنده در اشاره به این اعمال، به عنوان نمونه‌ای از اعمال تروریستی، قصد هیچ گونه قضاوت ارزشی را ندارد.

21. Media Terrorism.

22. Bush Commission (Vice President's Task Force, 1986).

23. Political theatre.

24. Propaganda by deed.

مثلاً انفجار پرواز شماره ۱۰۳ پان آمریکا بر فراز لاکربی اسکاتلند در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸ (که منجر به کشته شدن ۲۵۹ سرنشین و ۱۱ نفر از اهالی شهر شد) انفجار مرکز تجارت جهانی در نیویورک در فوریه ۱۹۹۳ و بمب گذاری در اکلاهما در سال ۱۹۹۵ و نیز انفجارهایی که در ایران، برای مثال، در مقر حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ و در ساختمان نخست‌وزیری در هشتم شهریورماه همان سال رخ داد، بدون وجود این ماده قابل وقوع نبوده‌اند. در حال حاضر این نگرانی وجود دارد که گروه‌های تروریستی بتوانند به سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی دسترسی پیدا کرده و از آنها در راستای انجام عملیات تروریستی خود استفاده کنند،^{۲۵} که نمونه‌ای از آن در استفاده فرقه آئوم شینریکیو^{۲۶} (یا دومزدی، که یک فرقه مذهبی است با اعتقاداتی مخلوط از بودیسم و هندو) در مترو ژاپن در بیستم مارس ۱۹۹۵ مشاهده شد. محفظه‌های گاز اعصاب سارین، که در پنج قطار متروی ژاپن در ساعات شلوغی صبح، کار گذاشته شده بود، منجر به کشته شدن یازده تن و مجروح شدن ۴۷۰۰ نفر شد. پلیس بعداً در حمله به مقر این فرقه مقدار زیادی مواد شیمیایی را، که می‌توانستند به سارین تبدیل شوند، یافت.^{۲۷} احتمال استفاده از این گونه سلاحها در هواپیماها نیز، با توجه به مشکل‌تر بودن کشف آنها نسبت به سلاحهای فلزی، نگران کننده می‌باشد.^{۲۸}

۲۵. نگاه کنید: حقوق جزای بین‌الملل، اثر نگارنده (تهران: نشر میزان، ۱۳۷۷)، ص ۳۰۸ به بعد.

26. Aum shinrikyo.

27. F.E. Hagan, Political Crime, p. 133.

28. For details, see B.M. Jenkins "Terrorism: A Contemporary Problem with Age Old Dilemma" in L. Howard, Terrorism, op. cit., pp. 13-27 at p. 15.

تروریسم در سالهای اخیر افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. برای مثال درحالی که در انگلستان و ویلز رشد جرایم خشونت آمیز علیه اشخاص در سال ۱۹۷۵ یازده درصد، در سال ۱۹۷۶ ده درصد و در سال ۱۹۷۸ شش درصد نسبت به سال قبل از آن بوده است، تروریسم بین‌المللی از حدود ۱۰۰ حادثه به بیش از ۴۰۰ حادثه در فاصله سالهای ۷۶-۱۹۷۴ و بیش از هزار حادثه در سال ۱۹۷۸ بالغ گشته است. از این میان بیشترین افزایش مربوط به بمب‌گذاری و ترورهای سیاسی بوده، که سالانه حدود سی درصد افزایش داشته است. مورد اخیر، هرچند که قبلاً تنها علیه سران عالی‌رتبه حکومتها انجام می‌گرفت، در سالهای بعد افرادی چون قضات، مأموران پلیس، بازرگانان بزرگ و دیپلماتهای درجه دو را در بر گرفته است. گروگان‌گیری نیز طی سالهای اخیر یکی از عملیات تروریستی کثیرالوقوع بوده که اولین مورد قابل ذکر آن در ۲۱ دسامبر ۱۹۷۵، با گروگان‌گیری یازده وزیر اوپک، رخ داد و یکی از آخرین موارد قابل ذکر آن ماجرای گروگان‌گیری در محل سکونت سفیر ژاپن در شهر لیمّا در پرو توسط گروه چریکی «راه درخشان»^{۲۹} بود.^{۳۰}

۲۹. در این مورد، رک. حقوقی جزای بین الملل، اثر نگارنده، مقاله «هاچاق یا سود آورترین تجارت جهانی»، ص ۳۲۵. در مورد فهرست گروگانگیریهای مهم سی سال اخیر نیز رک. روزنامه کیهان، مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۱.

۳۰. طبق آمار موجود در فاصله سالهای ۱۹۹۳ - ۱۹۶۸ در آسیا، درصد ارتکاب عملیات تروریستی مختلف به شرح زیر بوده است. بمب‌گذاری (۴۶ درصد)، حمله و تهاجم (۲۲ درصد)، هواپیمارمایی (۱۲ درصد)، سوء قصد (۹/۵ درصد)، آدم ربایی (۶ درصد) و گروگان‌گیری (۱ درصد). رک.

B.Hoffman, "Responding to Terrorism Across the Technological Spectrum", in Terrorism and Political Violence, Vol. 6, No. 3, p. 36.

در مقابل، از میان تمامی اعمال تروریستی، هواپیماربایی و ارسال بمبهای پستی سیری نزولی داشته است که دلیل آن را می‌توان، از جمله، در افزایش اقدامات امنیتی در این زمینه دانست.^{۳۱}

دلیل افزایش موج تروریسم در دهه‌ها و سالهای اخیر را، علیرغم این که اختلافات و انگیزه‌های سیاسی همواره در طول تاریخ وجود داشته‌اند، باید در عواملی چون افزایش نوع سلاح‌ها و مواد منفجره و سهولت دسترسی به آنها، تسهیل رفت و آمد به نقاط مختلف جهان و اشاعه وسایل ارتباط جمعی، که تروریستها را در رسیدن به اهداف تبلیغاتی خود یاری می‌کنند، جستجو کرد. اهمیت مورد اخیر از آن رو است که «تروریسم یک شیوه خاص از خشونت سیاسی است که با حمله کردن به تعداد کمی قربانی درصدد تأثیرگذاری بر تعداد زیادی از مردم می‌باشد»^{۳۲} و البته مثبت بودن این تأثیر نیز چندان مد نظر قرار ندارد، بلکه صرف مطرح شدن در وسایل ارتباط جمعی گاهی هویتی را به برخی از گروههای تروریستی می‌دهد که در غیر این صورت فاقد آن هستند. شاید این گروهها، که از اعمال خود هیچ طرف هم نبرده‌اند و نمی‌برند، خود را مخاطب این شعر یافته‌اند که:

«در دل دوست به هر حيله رهي بايد کرد
طاعت از دست نيابد گنهي بايد کرد»

کشف ارتباط متقابل بین تروریسم و وسایل ارتباط جمعی را شاید بتوان به یک روزنامه منتشره در سانفرانسیسکو بنام «حقیقت» (Truth)

31. P.Wilkinson, "Terrorism: International Dimensions" in W. Gutteridge (ed) The New Terrorism (London: Mansell, 1986), pp. 29-56 at p.30.

32. M. Crenshaw, "How Terrorist Think ..." in L. Howard Terrorism..., pp. 71-80 at p. 71.

نسبت داد که بیش از صدسال پیش (در سال ۱۸۸۱) جمله زیر در آن چاپ شد:

«حقیقت هر نسخه دو سنت و دینامیت هر پاوند چهل سنت است. هر دو را بخرید، یکی را بخوانید و دیگری را مورد استفاده قرار دهید»^{۳۳}

۴- ارتباط متقابل بین تروریسم و وسایل ارتباط جمعی

نمونه‌های راجع به ارتباط بین تروریسم و وسایل ارتباط جمعی و استفاده تروریستها از این وسایل جهت انجام تبلیغات متعدد می‌باشند. در اواخر دهه پنجاه میلادی یک رهبر جبهه ملی آزادیبخش الجزایر^{۳۴} به اعضای جبهه اعلام کرد: «ما باید در تمامی عناوین روزنامه‌ها خون به نمایش بگذاریم»^{۳۵} بومی بومن^{۳۶} نیز، که یکی از اعضای «حرکت دوم ژوئن» در آلمان (که پیدایش آن به کشته شدن یک دانش آموز تظاهرکننده در هنگام دیدار شاه وقت ایران، محمدرضا پهلوی، توسط یک افسر پلیس و عدم مجازات افسر مذکور باز می‌گردد)^{۳۷} در این مورد اظهار می‌دارد: «بدون گزارش روزنامه‌ها ما خود را در خلأ احساس خواهیم کرد؛ از طریق روزنامه‌هاست که ما هدف خود را به شیوه‌ای منصفانه پی

33. See A.P. Schmid, "Terrorism and the Media: Freedom of Information vs. Freedom from Intimidation" in L. Howard (ed), *Terrorism...*, op. cit., pp. 95-117 at p. 95.

34. FLN.

35. A.P. Schmid, *Political Terrorism* (Amsterdam: North Holland Publishing Co. 1984), p. 221.

36. Bommi Baumann.

37. See N. Friedland, "Becoming a Terrorist..." in L. Howard (ed) *Terrorism*, op. cit., pp. 81-93 at p. 84.

می‌گیریم».^{۳۸} وسایل ارتباط جمعی گاهی برای ارضای حس شهرت طلبی مرتکب، و نه اعلام اهداف وی، مورد استفاده قرار می‌گیرند. گفته می‌شود که اولین جمله جان‌هینکلی،^{۳۹} که سعی کرده بود رونالد ریگان رئیس جمهور اسبق آمریکا را به قتل برساند، پس از دستگیر شدن این بود: «آیا تلویزیون این صحنه را نشان می‌دهد؟» و بعد افزوده بود: «حالا تمام جهان متمدن، من را می‌شناسند».^{۴۰}

دخالت وسایل ارتباط جمعی، علاوه بر پوشش خبری دادن به اهداف تروریستها، گاهی به قیمت جان گروگانها تمام شده است. مثالهای این موارد متعدد هستند، از جمله، در یک حادثه تروریستی در واشنگتن در سال ۱۹۷۷،^{۴۱} تصاویری از تلویزیون پخش شد که به تروریستها نشان می‌داد که افرادی غیر از کسانی که آنها گروگان گرفته‌اند نیز در ساختمان حضور دارند. خبرنگاران در مصاحبه‌های تلفنی با تروریستها از آنان در مورد تاریخ انقضائی که برای درخواستهای خود گذاشته‌اند سؤال می‌کردند، در حالی که آنان چنین تاریخی را مشخص نکرده بودند و این فکر با طرح این سؤالات به ذهن آنها رسید.

در حادثه تروریستی دیگری در هلند، یک گزارش رادیویی نام دو شخصیت عالیرتبه را در میان ۵۶ کارمند گروگان گرفته شده در آسن^{۴۲} نام

38. A.P. Schmid, "Terrorism and The Media" in L.Howard (ed) Terrorism.... op. cit., pp. 95-117 at p.98.

39. John Hinckley.

40. See A.P. Schmid, "Terrorism and The Media", op. cit., p.99.

41. Hanafi Incident.

42. Assen.

برد. تروریستها هم به همان دو نفر دستبند زده و آنان را در مقابل پنجره به عنوان اولین کسانی که در صورت برآورده نشدن خواسته‌های آنها کشته خواهند شد قرار دادند. پس از حمله مأموران جهت نجات جان گروگانها تروریستها یکی از آن دو گروگان را شدیداً مجروح کردند که این جراحت منجر به مرگ او شد.

در اکتبر سال ۱۹۷۷ خلبان یک هواپیمای لوفت هانزا، که به موگادیشو ربوده شده بود، اطلاعاتی را در مورد هواپیما ربایان به مقامات دولتی می‌رسانید. رادیو این خبر را پخش کرد و هواپیماربایان، که به رادیو گوش می‌کردند، تصمیم به کشتن خلبان گرفتند.

در حادثه ربوده شدن یک هواپیمای کویتی توسط حزب‌ا... در الجزایر هواپیماربایان از رادیو شنیدند که مقامات انگلیسی کوماندوهای ویژه‌ای را برای حمله به هواپیما اعزام نموده‌اند. آنان در عکس‌العمل نسبت به این اقدام یک گروگان را کشته و از برج کنترل خواستند تا به نخست‌وزیر انگلستان اطلاع دهد که باید کوماندوها را بازگرداند. بعد معلوم شد که این خبر از اصل دروغ بوده است.^{۴۳}

گاهی وسایل ارتباط جمعی مشکلات دیگری نیز برای گروگانها و خانواده‌های آنان ایجاد می‌کنند: در یک مورد روزنامه‌نگاری در ساعت ۲ بامداد به پسر جوان یکی از گروگانها تلفن کرده و از او خواسته بود که نظر خود را در مورد آخرین گزارشها که دلالت بر کشته شدن پدرش ظرف مدت ۲ ساعت دارد اعلام نماید.^{۴۴}

43. A.P. Schmid, "Terrorism and The Media", op. cit., pp. 103-104.

44. Ibid., p. 104.

۵- مشکل ارائه تعریفی از تروریسم

مشکل ارائه تعریف مشترکی برای تروریسم همیشه وجود داشته و این ناشی از آن بوده است که «آن کس که از نظر یک شخص تروریست محسوب می‌شود از نظر دیگری یک مبارز راه آزادی است».^{۴۵} با این حال، علیرغم فقدان یک تعریف مشترک و قابل قبول در روابط بین‌المللی، به مرور یک توافق آرای نسبی در مورد معنی تروریسم بروز کرده است. در پاییز سال ۱۹۸۵ اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد به اتفاق آرا اعمال تروریستی را توسط هر کس و در هر کجا اتفاق بیفتد محکوم کردند.^{۴۶} این واقعه قابل توجهی بود، از آن رو که اعضای مجمع عمومی اعلام می‌دارند که تروریسم شامل اعمال مذکور در پنج معاهده بین‌المللی، یعنی سه کنوانسیون راجع به هواپیما ربابی،^{۴۷} معاهده راجع به حمایت از دیپلماتها^{۴۸} و معاهده راجع به گروگان‌گیری می‌شود،^{۴۹} ولی محدود به اینها نیست. این معاهدات و کنوانسیونها هیچ یک تروریسم را معنی نکرده‌اند و بیش از نیمی از اعمال تروریستی بین‌المللی را در بر می‌گیرند.^{۵۰} البته در زمان

45. One Man's Terrorist is another Man's Freedom Fighter.

۴۶. نگاه کنید: قطعه‌نامه شماره ۱۴۰/۰۶۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۴۷. اینها شامل «کنوانسیون ۱۹۶۳ توکیو در مورد ارتکاب جرایم و برخی از اعمال دیگر در داخل هواپیما»، «کنوانسیون ۱۹۷۰ لاهه در مورد تصرف غیرقانونی هواپیما» و «کنوانسیون ۱۹۷۱ مونستر آل در مورد سرکوب اعمال غیرقانونی علیه ایمنی پرواز هواپیماها» می‌باشد.

۴۸. «کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم ارتكابی علیه اشخاصی که از لحاظ بین‌المللی مورد حمایت هستند، از جمله نمایندگان سیاسی» مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۳.

۴۹. کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری (۱۹۷۹).

50. See B.M. Jenkins, "Terrorism: A Contemporary Problem with Age Old Dilemmas" in L. Howard, *Terrorism*, op. cit., pp. 13-27 at p. 15.

جامعه ملل نیز تلاشهایی برای ارائه تعریفی از تروریسم و جلب همکاری دولتها در مبارزه مشترک با این پدیده انجام گرفته بود.

در آن زمان ترور الکساندر، پادشاه یوگسلاوی، و لوئیس بارتو، وزیر امور خارجه فرانسه، در مارس ۱۹۳۴ منجر به آن شد که فرانسه پیشنهاد تشکیل یک محکمه کیفری بین‌المللی را برای محاکمه تروریستها بدهد. جامعه ملل، پیرو این پیشنهاد، کنفرانسی را در ژنو در سال ۱۹۳۷ تشکیل داد که منجر به تهیه پیش‌نویس دو کنوانسیون شد. اولی اعمال تروریستی را، که شامل کشتن رؤسای دول و همسران آنها و سایر نمایندگان دولتی می‌شد، و نیز تروریسم بین‌المللی، مشتمل بر صدمه زدن به اشخاص یا اموال را از سوی اتباع یک کشور علیه اتباع کشور دیگر تقبیح می‌کرد. کنوانسیون دوم تشکیل یک محکمه کیفری بین‌المللی را که برای محاکمه تروریستها صلاحیت داشت پیش‌بینی می‌کرد و در صدر آن تروریسم عبارت از اعمال جنایی دانسته شده بود که برضد کشوری صورت می‌گیرند و هدف از ارتکاب آنها ایجاد هراس در نزد اشخاص یا دستجات معین و یا در بین عامه است. لیکن این اقدامات جسورانه در تشکیل یک محکمه کیفری بین‌المللی هیچ‌گاه در عمل نتیجه ندادند، چرا که وقتی در سال ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم آغاز شد تنها سیزده کشور این کنوانسیونها را مورد تأیید قرار داده بودند.

نمونه‌ای از اختلاف نظر بین دولتها در رسیدن به تفاهم راجع به مفهوم تروریسم را می‌توان در عکس‌العمل آنها نسبت به اقدامات سازمان ملل متحد متعاقب کشته شدن تعدادی از ورزشکاران اسرائیلی در جریان بازیهای المپیک مونیخ در سال ۱۹۷۲ مشاهده کرد. وقتی کورت

والدهایم،^{۵۱} دبیر کل وقت سازمان ملل متحد، از سازمان خواست که به موضوع تروریسم بین‌المللی بپردازد، دبیرخانه سازمان عنوانی را به شرح زیر برای انجام مطالعات در مورد این موضوع انتخاب کرد: «اقدامات برای جلوگیری از تروریسم بین‌الملل که حیات افراد بی‌گناه را به خطر انداخته یا سلب می‌کند یا آزادیهای اساسی را به خطر می‌اندازد، و مطالعه دلایل زیربنایی ارتکاب این گونه اشکال تروریسم و اعمال تروریستی که ناشی از بیچارگی، عجز، نارضایتی و ناامیدی می‌باشد و باعث می‌شود که برخی از افراد حیات انسانها، از جمله زندگی خود را، برای انجام تغییرات اساسی قربانی کنند».^{۵۲}

عنوان مورد اشاره خود گویای همه چیز می‌باشد و نشانگر تلاش برای جلب نظر دو دسته از دولتهاست. یک دسته دولتهایی که با تروریسم به طور کلی مخالفت می‌کرده‌اند و دیگر دولتهایی که به دنبال ریشه‌یابی علل ارتکاب اعمال تروریستی و مبارزه با آن علل بوده‌اند. در کمیته‌ای که در راستای انجام این مطالعات از نمایندگان سی و پنج کشور تشکیل شد، نمایندگان کشورهای به اصطلاح جهان سوم توجه خود را بیشتر به آنچه که آن را «تروریسم دولتی»^{۵۳} می‌نامیدند معطوف داشته بودند.^{۵۴}

در سالهای اخیر نیز، در جریان پنجمین اجلاس کمیسیون پیشگیری از جرم و اعمال عدالت کیفری، نماینده جمهوری اسلامی ایران خواستار

51. Kurt Waldheim.

52. 27 UN GAOR Annex (Agende Item 92) 1, UN Doc. A/C 6/418 (1972).

53. State Terrorism.

54. See P. Wilkinson, "Terrorism: International Dimensions", op. cit., p. 46.

ارائه تعریف دقیقی از مفهوم تروریسم و تفکیک آن از مبارزات به حق ملتها جهت آزاد کردن سرزمینهای تحت اشغال شد.^{۵۵}

برخی تلاش کرده‌اند که مشکل تفکیک بین تروریسم و مبارزات آزادیبخش را با ارجاع به پروتکل الحاقی اول به کنوانسیونهای ژنو، که به مخاصمات مسلحانه‌ای که در آنها ملتها علیه استعمارگران و اشغالگران خارجی و رژیمهای نژاد پرست برای احقاق حق خودمختاری درگیر هستند پرداخته است، حل کنند. اینان معتقدند که اعمال تروریستی ارتكابی از سوی برخی از حرکت‌های آزادیبخش ملی براساس این مقررات توجیه‌پذیر می‌باشند.^{۵۶}

عده‌ای دیگر با این نظر مخالفت کرده‌اند، چرا که ماده ۳ مشترک کنوانسیونها و نیز ماده ۴۴ حداقل رفتاری که باید در حین مخاصمات مسلحانه رعایت شود، از جمله لزوم ضرر نرساندن به غیرنظامیان را تبیین کرده‌اند و عملیات تروریستی، با توجه به این که در آنها خشونت علیه غیرنظامیان صرفاً برای اشاعه ترس و خشونت اعمال می‌گردد، فاقد این خصیصه هستند. در ضمن پروتکل دوم نیز در پاراگراف دوم از ماده ۴ ارتكاب اعمال تروریستی را در هنگام مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی میان قوای مسلح یک کشور و سایر گروه‌های مسلح منع کرده است.^{۵۷} این

۵۵. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۷۵/۳/۵، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی.

56. See for example, D.J. Feith, "Protocol I: Moving Humanitarian Law Backwards", Akron Law Review, 19 (1986), pp. 531-535; G.B. Roberts, "The New Rules for Waging War" The Case Against Ratification of Additional Protocol I", Virginia Journal of International Law, 26 (1986) pp. 696-708.

57. See J.A. Frowein, *The Legal Aspects of International Terrorism* (London: Martinus Nijhoff Publishers, 1989), pp. 76-77.

افراد همچنین با پیشنهاد اعمال موازین و ضوابط «حقوق جنگ» به اعمال تروریستی مخالفند،^{۵۸} از آن رو که این کار باعث می‌شود که تروریستها در موضع و موقعیت سربازان درگیر در جنگ قرار داده شوند و از مزایای مربوط به آنان بهره‌مند گردند.^{۵۹}

۶- اشاره‌ای به قوانین سایر کشورها و اسناد و مدارک بین‌المللی موجود در مورد تروریسم

بخش (a) ۱۲۹ قانون جزای آلمان سازمانهایی را که قصد ارتکاب قتل، نسل‌کشی، آدم‌ربایی و نظایر این جرایم را دارند جزء سازمانهای تروریستی می‌داند. تشکیل چنین سازمانهایی با حداکثر ده سال حبس قابل مجازات است.

در انگلستان «قانون جلوگیری از تروریسم (مقررات موقت)»^{۶۰} مصوب سال ۱۹۸۴ عضویت در سازمانهای تروریستی را جرم می‌داند. این سازمانها باید رسماً توسط مقامات اجرایی و امنیتی به عنوان سازمان تروریستی اعلام شوند. در قوانین امریکا «اقدام تروریستی» به معنی «تشکیل، معاونت یا مشارکت در یک عمل خشونت آمیز عمدی و یا با سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی کامل نسبت به خطر کشتن یا ایراد صدمه شدید

58. See for example, A.P. Rubin, "Terrorism and the Laws of War", Denver Journal of International Law and Policy, 12 (1983), pp. 219-235; Idem, "Should the Laws of War Apply to Terrorism"? ASIL Proceedings, 1985, pp. 109-112.

59. Frowein, op. cit., p. 77.

60. Prevention of Terrorism (Temporary Provisions) Act, 1984.

جسمانی به کسانی که در مخاصمات مسلحانه شرکت ندارند»^{۶۱} دانسته شده است. تروریسم گاهی خصیصه بین‌المللی پیدا می‌کند و در محدوده حقوق بین‌الملل عمومی وارد می‌شود. این زمانی است که اعمال تروریستی واجد یک عنصر بین‌المللی باشند؛ برای مثال یک کشور خارجی یا اتباع آن را هدف قرار دهند یا جزء اعمالی باشند که معاهده بین‌المللی خاصی به آنها اشاره کرده است و یا این که به دلیل فرار شخص تروریست به یک کشور خارجی مقررات حقوق بین‌الملل در مورد استرداد مجرمین به کار گرفته شود. به دلیل افزایش وجود عنصر بین‌المللی در اعمال تروریستی طی سالهای اخیر واژه تروریسم در اسناد و مدارک بین‌المللی در این سالها به شکل فزاینده‌ای مورد استفاده قرار گرفته ولی، همان‌طور که قبلاً گفته شد، هیچ‌گاه تعریف نشده است. قطعنامه شماره ۴۰/۶۱ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۸۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تمامی اعمال و شیوه‌های تروریستی را در هر کجا و به وسیله هر کس که ارتکاب یابند محکوم کرده و آنها را جرم شناخته است.

«کنفرانس اروپایی وزرای مسئول مقابله با تروریسم» نیز در چهارم نوامبر ۱۹۸۶ اعلام کرد که «تروریسم به هر شکل آن یک تجاوز مستمر علیه نهادهای دموکراتیک تمام اعضای شورای اروپا است».^{۶۲}

مقدمه «کنوانسیون اروپایی سرکوب تروریسم»^{۶۳} منعقد در ۲۷ ژانویه ۱۹۷۷، هدف از انعقاد آن را «آگاهی نسبت به نگرانی فزاینده ناشی

61. Public Law 100-204 of 22 December 1987, International Legal Materials (ILM)27 (1988) pp. 719-753.

62. European Conference of Ministers Responsible for Combating Terrorism, Doc. MCT (86) 3.

63. European Convention on the Suppression of Terrorism.

از افزایش عملیات تروریستی» دانسته است، بدون آنکه این پدیده را تعریف یا حتی در متن کنوانسیون به واژه تروریسم اشاره‌ای داشته باشد. ماده ۱ «کنوانسیون بین کشورهای آمریکایی برای جلوگیری و مجازات اعمال تروریستی که به شکل جرایم علیه اشخاص ارتکاب می‌یابند و اربابهای مشابهی که ماهیت بین‌المللی دارند»، منعقد در دوم فوریه ۱۹۷۱، تمامی دول عضو را موظف به همکاری جهت جلوگیری از مجازات اعمال تروریستی، مخصوصاً آدم‌ربایی، قتل و حملات دیگر علیه جسم و جان کسانی که دولت براساس موازین حقوق بین‌الملل موظف به حمایت از آنها است، نموده است.

«اعلامیه راجع به اصول حقوق بین‌الملل در مورد همکاری و روابط دوستانه بین دولتها براساس منشور ملل متحد»^{۶۴} که در سال ۱۹۷۰ به عنوان قطعنامه شماره ۲۶۲۵ به اتفاق آرا به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید، همه دولتها را موظف کرده است که از سازماندهی یا مساعدت به اعمال تروریستی در کشور دیگر خودداری نمایند.

دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه اظهار داشت که موافقت با متن قطعنامه‌هایی مثل قطعنامه فوق‌الاشعار به معنی قبول اصول و قواعدی است که قطعنامه درصدد بیان آنها بوده است.^{۶۵} مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در قطعنامه شماره ۴۰/۶۱ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۸۵، به‌طور تلویحی، بر وظیفه‌ای که دولتها در این زمینه براساس موازین حقوق

64. The Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Cooperation Among States in Accordance With the Charter of the United Nations.

65. ICJ Reports, 1986, p. 100.

بین‌الملل بر عهده دارند تأکید کرده است. این قطعنامه و قطعنامه فوق‌الاشعار، علاوه بر تأکید بر وظیفه دولت‌ها دایر بر خودداری از کمک به عملیات تروریستی علیه دولت دیگر، بر وظیفه آنها نسبت به ارائه اطلاعات لازم به دولت‌های درگیر، همکاری جهت به پایان رساندن یک عمل تروریستی خاص و اجازه دادن به دولت مورد تهدید برای انجام اقدامات لازم تأکید نموده‌اند.

کنفرانسهای اجلاس اقتصادی هفت کشور صنعتی معمولاً به مشکل تروریسم بین‌المللی پرداخته‌اند، که این کار با اعلامیه بن در ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۸ در بن راجع به تروریسم بین‌الملل آغاز شده است.^{۶۶} در این اعلامیه، که مخصوصاً به مشکل هواپیماربابی می‌پرداخت، از جمله، توقف انجام پرواز به کشوری که از استرداد یا محاکمه هواپیماربابان و پس دادن هواپیماهای ربوده شده خودداری می‌کند پیش‌بینی شده است. نگرانی این کشورها در مورد رشد تروریسم بین‌الملل در کنفرانسهای ونیز (۱۹۸۰)، اتاوا (۱۹۸۱)، لندن (۱۹۸۴)، توکیو (۱۹۸۶) و ونیز (۱۹۸۷) تکرار شده است. از جمله، در اجلاس اتاوا، در بیستم ژوئیه ۱۹۸۱، کنفرانس به یک موضوع خاص، یعنی ربوده شدن یک هواپیمای خطوط هوایی پاکستان در ماه مارس همان سال، پرداخته و عملکرد رژیم ببرک کارمل^{۶۷} را در افغانستان در اثنای حادثه و نیز پس از آن (در اعطای پناهندگی به هواپیماربابان) محکوم و آن را مخالف با تعهدات افغانستان به موجب کنوانسیون لاهه، که افغانستان نیز آن را پذیرفته، دانسته است. رؤسای

66. The Bonn Declaration on International Terrorism:

67. Babrak Karmal.

دولتهای گروه ۷، در اجرای اعلامیه بن، تعلیق پروازهای کشورهای خود از مبدأ افغانستان و به مقصد افغانستان را پیش‌بینی کردند، مگر آن که دولت این کشور اقدامات فوری را جهت انجام تعهدات بین‌المللی خود به انجام رساند. آنان همچنین از سایر دول نیز درخواست انجام اقدامات مشابهی را نمودند.^{۶۸}

68. U.S. Department of State Bulletin, 81 (1981) p. 16, cited in J.A. Frowein, *The Legal Aspects of International Terrorism* (London: Martinus Nijhoff Publishers, 1989), p. 73.

Notes on Terrorism

By: Dr. H.M.M.SADEGHE

Abstract

Terrorism is, no doubt, committed in breach of human rights for “life, freedom and personal security”, which have been referred to in Article 3 of the Universal Declaration of Human Rights. The right of every human being to be free of any unjustifiable fear has also been stressed in the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights and the International Covenant on Civil and Political Rights.

The fear inherent in terrorism can be distinguished from the fear caused by other crimes, in the sense that while in the latter fear is only a byproduct of the crime, in terrorism it is the main purpose followed by terrorists who, by bringing about isolated incidents against a few people, want to affect and frighten a larger community.

In this article, the distinction between terrorism and terror, the classification of terrorism, the mutual relationship between terrorism and the mass media and the difficulty of providing a universally agreed definition for terrorism, due to the fact that “one man’s terrorist is another man’s freedom – fighter”, have been discussed, while at the end of the article references have been made to some international documents and also to the laws of various countries on the subject of terrorism.